

وقتی قهرمانان جنگل کودک بودند



سریال انیمیشنی دوبعدی قصه‌های جنگل با نام اصلی توله‌های جنگل (Jungle Cubs) که از شبکه پویا در حال پخش است سال 1996 با الهام از فیلم سینمایی موفق کتاب جنگل محصول 1967 ساخته شده است و ماجراهای کودکی شخصیت‌های حیوانی اصلی این فیلم انیمیشن سینمایی را در حال و هوایی شاد و پرانرژی به تصویر می‌کشد.

سریال انیمیشنی دوبعدی قصه‌های جنگل با نام اصلی توله‌های جنگل (Jungle Cubs) که از شبکه پویا در حال پخش است سال 1996 با الهام از فیلم سینمایی موفق کتاب جنگل محصول 1967 ساخته شده است و ماجراهای کودکی شخصیت‌های حیوانی اصلی این فیلم انیمیشن سینمایی را در حال و هوایی شاد و پرانرژی به تصویر می‌کشد.

کارگردانان این سریال کنی تامپکینز، بلیر پترز، میرسی مانا و تهیه‌کنندگان اصلی سریال تد اناستی و پتسی کامرون هستند. این سریال که یکی از کوتاه‌ترین و کمتر شناخته‌شده‌ترین سریال‌های انیمیشنی جهان است در دو فصل - 21 قسمت 22 دقیقه‌ای - ساخته شده است و بعد از اولین پخش آن در سال‌های 1996 تا 1998 چندبار از شبکه‌های مختلف بازپخش شده تا این‌که سال 2001 پخش آن متوقف شده و سپس سال 2012 مجدداً پخش آن از شبکه‌های مختلف از سر گرفته شد. این مجموعه به صورت نوارهای وی‌اچ‌اس و دی‌وی‌دی در بازار محصولات خانگی نیز عرضه شده است.

ماجراهای این سریال انیمیشن در زمان کودکی ستاره‌های فیلم اصلی یعنی شرخان بیر، کا مار هیپنوتیزم‌گر، باگیریای پلنگ، بالو خرسه، هاتی فیل و لویی اورانگوتان اتفاق می‌افتد.

در این داستان‌ها می‌بینیم که این بچه‌ها - چه شخصیت‌های مثبت و چه شخصیت‌های منفی - که در جنگل‌های هندوستان زندگی می‌کنند هر یک رفتارهای شخصیتی مخصوص خود را دارند که با نقش آینده آنها در فیلم ارتباط دارد و این ایده خلاقانه سریال را به شیوه مناسبی با فیلم اول و دوم کتاب جنگل مرتبط می‌سازد.

در فصل اول سریال قهرمانان ما صرف‌نظر از تفاوت‌هایشان در کنار هم زندگی کرده، با هم بازی می‌کنند و از همدیگر چیزهای زیادی یاد می‌گیرند.

در کنار قهرمانان قبلی در این سریال فیل کوچک ماده‌ای به نام وینفرد که بعدها با کلنل هاتی ازدواج می‌کند نیز نقش مهمی دارد.

بچه‌ها در این داستان‌ها با انواع خطرهای جنگلی مثل پرت شدن از صخره به درون رودخانه، فرار از دست حیوانات شرور و... روبه‌رو می‌شوند.

در این ماجراها دو کرکس بدجنس به نام‌های آرتور و سسیل و ببر خشنی به نام راجا و گرگ شروری به نام اکلا شخصیت‌های منفی داستان هستند.

ماجراهای آنها حاوی پیام‌هایی از ارزش دوستی، احترام به خویشان و موضوعات سالم و بی‌خطری است که مناسب سن بچه‌های کوچک‌تر است.

در ماجراهای فصل دوم این سریال بچه‌ها کمی بزرگ‌تر می‌شوند و تا حدی از هم فاصله می‌گیرند. با وجود این‌که هنوز هم دوستان خوبی برای هم هستند تا حدودی سرشان به زندگی خودشان گرم می‌شود و وقت کمتری برای رفتن به خانه توله‌ها (قصر آینده کینگ لویی) دارند.

لویی در فکر این است که پادشاه جنگل شود و دیگر به اندازه سابق با بالو صمیمی نیست. باگیریا جدی‌تر و عاقل‌تر شده و هاتی هم بیشتر وقت خود را با وینفرد سپری می‌کند؛ اما بیشترین تغییر در شرخان روی می‌دهد.

او هم مثل باگیریا و کا بیشتر وقتش را به تمرین شکار می‌گذرانند و هر چه داستان پیش می‌رود حس قدرت‌طلبی او بیشتر نمایان می‌شود و از بقیه گروه بیشتر فاصله می‌گیرد.

شخصیت کا هم مثل بالو تغییر چندانی پیدا نمی‌کند، ولی همچنان در پی قوی‌تر کردن قدرت هیپنوتیزم خود است.

در فصل دوم به تناسب بزرگ‌تر شدن شخصیت‌ها تغییراتی در طراحی آنها نیز دیده می‌شود. برای مثال، بالو کمی قد بلندتر از سری اول است و به جای پشم خاکستری، پشم آبی رنگی دارد. باگیریا هم بزرگ‌تر شده و پشمش سایه مشکی کم‌رنگ‌تری دارد.

کاکل موهای لویی هم ناپدید می‌شود و موهایش به پایین ریخته است. هاتی هم هیکل تنومندتر با پوست کم‌رنگ‌تری دارد. کا هم به نسبت سری اول طول بلندتری دارد و پوستش به رنگ سبز با لکه‌های سرخابی می‌شود.

هرچه داستان‌ها پیش می‌رود، در آنها اقلامی که شبیه ساخته‌های انسانی هستند بیشتر دیده می‌شود و حیوانات هم به‌خصوص لویی کارهای انسانی بیشتری انجام می‌دهند.

مثلاً در یکی از قسمت‌ها دوتوله گرگ بازی شبیه شطرنج انجام می‌دهند یا در جای دیگر تابلوهایی دیده می‌شود که کلماتی روی آنها نقش بسته که البته نوشته انسان‌ها نیست.

علاوه بر این، در این سریال حیواناتی نشان داده می‌شود که عملاً در جنگل‌های هند پیدا می‌شوند، اما در کتاب جنگل نوشته «رودیارد کیپلینگ» یا فیلم انیمیشن اصلی به آنها اشاره نشده است.

داستان‌های این سریال انیمیشنی در مکان‌های مختلفی از جنگل‌های هندوستان مثل خانه توله‌ها، ویستلند، صخره پیناکل،

دهکده آدم‌ها، جنگل میانی، مرداب عمیق ترسناک، کوهستان، جنگل غربی، معبد بزرگ گم شده و رودخانه اتفاق می‌افتد.

معرفی شخصیت‌های اصلی سریال

بالو: یک توله خرس شاد و خوش‌شانس است که عاشق بازی کردن، سرپه‌سر گذاشتن و شوخی با بقیه بچه‌ها به‌خصوص باگیراست تا کمی او را از حالت جدی در بیاورد.

باگیرا: یک پلنگ باهوش و بالغ است که کمتر خودش را به دردمس می‌اندازد. او حساسیت زیادی به تمیز بودن دارد و دوستانش به شوخی او را باگی هم صدا می‌زنند.

لویی: بهترین دوست بالو است. او یک اورانگوتان خیلی فعال و شیطان است که بیشتر وقتش را روی درخت‌ها به خوردن موز می‌گذراند و رویای پادشاهی جنگل را در سر دارد و عاشق استفاده از وسایل انسان‌هاست.

شرخان: یک توله ببر بنگال قلدر و خشن است که سعی دارد با ترساندن بقیه بر آنها تسلط پیدا کند، اما هر بار که به دردمس می‌افتد عزت نفس‌اش بدجوری جریحه‌دار می‌شود.

کا: یک مار پیتون هندی است که قدرت هیپنوتیزم دیگران را دارد.

هاتی: فیلی است که همیشه سعی می‌کند اعضای گروهش را سرو سامان دهد، اما دائما از دست کارهای آنها استرس دارد. او به خیلی چیزها بی‌توجه است، اما سختگیری‌های خاص خودش را دارد.

سسیل و آرتور: دو کرکسی که همیشه امیدوارند یکی از توله‌ها بمیرد تا شکمی از عزا در بیاورند. البته هیچ‌وقت تهدید جدی به حساب نمی‌آیند.

ماهرا: یک بابون بی‌رحم است که با سه پسرش در صخره پیناکل زندگی می‌کنند.

پریسا کاشانیان